

زبان ترکی آذربایجانی در نوشتار

تۆرک دیلی یازی قۇراللاری

ابراهیم رفرف









تقدیم به روح بزرگ دکتر جواد ہیئت

## فهرست مندرجات

۸.....	مقدمه
۱۰.....	اوڤن سؤز.....
۱۲.....	فصل ۱: در باره ساختار زبان ترکی.....
۱۲.....	۱-۱: اجزای زبان.....
۱۲.....	۱-۲: فونم‌ها.....
۱۲.....	۱-۳: هجاها.....
۱۳.....	۱-۴: مورفم‌ها.....
۱۴.....	۱-۵: کلمه.....
۱۴.....	۱-۶: قانون هماهنگی آواها.....
۱۶.....	۱-۷: زبان التصاقی.....
۱۸.....	۱-۸: خاستگاه قواعد و ضوابط املایی.....
۱۹.....	۱-۹: نقش مورفم در املای ترکی.....
۲۱.....	فصل ۲: زبان ترکی آذربایجانی در نوشتار.....
۲۱.....	۲-۱: نام شناسی.....
۲۲.....	۲-۲: نگارش حروف مصوت.....
۲۸.....	۲-۳: نگارش فونم‌های بی صدا.....
۳۲.....	۲-۴: نگارش فونم‌های مرکب.....
۳۳.....	۲-۵: استفاده از علامت تشدید.....
۳۳.....	۲-۶: استفاده از علامت تنوین.....
۳۴.....	۲-۷: طرز نوشتن همزه.....
۳۶.....	۲-۸: طرز نوشتن پسوندها.....
۳۹.....	۲-۹: طرز نوشتن کلمات.....
۴۳.....	۲-۱۰: طرز نگارش کلمات مرکب و ترکیبات نحوی.....
۴۵.....	۲-۱۱: خلاصه‌ای از قواعد املایی ترکی آذربایجانی.....
۴۹.....	ضمائم.....

## مقدمه

مجموعه‌ای که تحت عنوان «زبان ترکی آذربایجانی در نوشتار» تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود، حاوی خطوط کلی ضوابط املائی است که در جریان دو سمینار پژوهشی مربوط به آیین نگارش زبان ترکی آذربایجانی، به ترتیب در خرداد ۱۳۷۹ و شهریور ۱۳۸۰ با حضور صاحب قلم و صاحب نظران زبان و ادبیات ترکی در تهران برگزار شد. در ضمن این نشست‌ها مقالات پژوهشی متعددی از سوی صاحب نظران ارائه گردید و مسائل مختلف املائی تحت بررسی و مذاکره قرار گرفت و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردید که در پایان سمینار طی جزوه‌ای با عنوان «تۆرك دىلى يازى قۇراللارى» یا «ضوابط املائی زبان ترکی» منتشر گردید. مرحوم دکتر جواد هیئت ریاست این سمینارها را بر عهده داشتند و مرحوم بهزاد بهزادی نیز جزء هیئت رئیسه سمینارها بودند و بر تدوین نتایج سمینار نظارت داشتند.

ضوابط املائی ترکی بر اساس الفبای اسلامی که طی این سمینارها بررسی و مدوّن گردید، تنها اختصاص به نگارش کلمات ترکی نداشت (که به نوبه خود دارای اهمیت انکار ناپذیری است)، بلکه سخنرانان و ارائه دهندگان مقالات ضمناً تأکید روی نحوه نگارش کلمات فارسی و عربی دخیل در ترکی به خصوص عبارات و اصطلاحات عربی و آیات قرآنی و حفظ اصالت املائی آنها داشتند که بخش ویژه‌ای از مصوبات سمینار به آنها اختصاص داده شد.

من به عنوان دبیر سمینارهای یاد شده که مسئولیت بیشتر کارهای اجرایی و همچنین ارائه یکی دو مقاله پژوهشی را بر عهده داشتم، و تقریباً با همه صاحبان گفتار در سمینار ارتباطی مستقیم داشتم، در طول این دو سمینار پژوهشی بر این مسأله آگاهی پیدا کردم که ضوابط املائی هر زبانی از جمله ترکی، در همه مقیاس‌ها اعم از نگارش پیشوندها و پسوندها و حتی نشانه‌های توقف، و مسائلی نظیر جدا نویسی یا پیوسته نویسی، بیش از آن که جنبه سلیقه‌ای داشته باشد، از ضوابط صرفی و نحوی زبان سرچشمه می‌گیرد و



بیش از هر چیز باید از روح زبان اشتقاق یابد. لذا به همه دست اندر کاران مسائل املائی اعم از ترکی و فارسی متواضعانه توصیه می‌کنم که به جای سلیقه‌های شخصی، در قانون‌مندی‌های زبان دقیق شوند و ضوابط املائی را از این قانون‌مندی‌ها استنتاج نمایند. صاحب‌قلمان دلسوزی نیز که قصد تفحص و پژوهش در حوزه ضوابط املائی را دارند، بهتر است کارهای انجام شده پیشینیان را به‌خوبی شناسایی کنند و بر آنها وقوف پیدا کنند و دیدگاه‌های جدید و تکمیل‌کننده‌ای ارائه دهند، نه این که همواره از نقطه صفر آغاز به کار کنند و پیوسته در حال اختراع چرخ‌های جدید باشند که پیش از آن اختراع شده است.

ابراهیم رفرف (تهران، بهمن ۱۳۹۸)

## اۋن سۆز



ايكىنجى تۆرك دىلى اۋرتوقرافى سمينارى بۇ ايل شهريور آيى نين ۱۴، ۱۵ و ۱۶ - جى گۆنلرينده بير چۇخ يازيچيلار و اۋخوجولارين ايشتيراكى ايله تهرائين انديشه مدنيت ائوينده تشكيل اۋلدو. بيرينجى سميناردا اۋلدوغو كيمي، بۇ سمينارين دا حاضيرلىق ايشلرى ديليميزين و مدنيتيميزين كئشيگينده دۇران بير سيرا يازيچى، شاعير و ضيالىلاريميز طرفيندن حياتا كئچميشدى. درگيلر و قزتلريميزدن وارلىق، مهدي آزادي، نويد آذربايجان، شمس تبريز، آواي اردييل، ارك، چيچك، هائيله اۋيرنجى درگيلرى نين اكثريتي بۇ

سمينارين قۇرولوشوندا فعال ايشتيراك ائديب، سمينارين علمى هئياتى ايله امكداشلىق ائتميشلر. علمى هئياتين عۆضولرى كئچن سميناردان برى، يعنى بۇ ۱۵ آيدا هر هفته بير دفعه و سۇن آيلاردا هر هفته ايكي دفعه گۆروشوب، بير- بيرلى ايله دانيشيقلار آپارميش و سۇنوندا اۋز تكليفلرينى بير لاييحه شكلينده سمينارا تقديم ائتميشلر.

سمينارين آپاريچى هئياتى بۇ تكليف لاييحه سيني سميناردا ايشتيراك ائندلره پايلاميش و سمينارين سۇنوندا اۋنلارين رايلىرىنى تۇپلاميش و هامى نين وئردىگى نظرلىرى گۆزدن كئچيرميش و آليان نتيجهلرى بۇ قطعنامه ده نشر ائتمگه قرار وئرميشلر. رايلىرىن تديقى و ايستاتىستىك شكلينه سالىنماسى و قطعنامه نين حاضيرانماسى اۋچون سمينارين عۆمومى تۇپلانتي سينا گيزلى راي اساسيندا اۋچ نغردن عيبارت بير علمى كۇميسيون سئچيلميشدير (حۆرمىلى بهزاد بهزادى، عليرضا صرافى و محمد رضا هيئت). بو اۋچ نفر، سمينارين باشقانى و دبىرى نين ايشتيراكى ايله بيرگه چاليشاراق سمينارين قطعنامه سيني حاضيرانميش و علمى هئياته بيلديرميشلر. گۆره جگينيز كيمي بۇ قطعنامه ده داها چۇخ آليما سۆزلر اۋزرينده يئنى قرارلار وئريلميش و تۆركجه سۆزلرين يازيلماسيندا چۇخ آز ديشيكلىكلر آپاريلميشدير.

اۋمود ائدیرم کی، گله جک سمنارلاریمیزدا اؤرتوقرافی ایله برابر دیلیمیزین اؤزلیکلیکری ده تدقیق اؤلونسون و مۆباحیثه لی حیصه لر اؤزینده قطعی قرارلار وئریلسین. بۇ سمنارین حاضیرلانماسی، آپاریلماسی و سۇن قرارلارین آیینماسی و نشره حاضیرلانماسیندا ان چۇخ امگی کئچن حؤرمتملی علمی هیئات عۆضولرینه، اۇزاق یۇللاردان گلن یازیچی و شاعیرلریمیزه، سمناری حاضیرلایان و ایداره ائدنلرین هامیسینا خوصوصی ایله حؤرمتملی زحمتکش دبیریمیز مۆهندیس رفرفه و علمی کؤمیسئونون عۆضولرینه قلبی تشکؤرلریمی بیلدیریرم. فرقلی فیکیر و سلیقه لره صاحب اۇلان و ایللر بۇیو اؤز سلیقه لری ایله اثرلر یاراتدیغی حالدا سمناریمیزدا ایشتیراک ائدیپ، ایملامیزدا بیرلیک یاراتماق اۆچون اکثریتین رأینه قۇل چکن و اؤز اؤسلوبونو مۆدافیعه ائتدیگی حالدا، آیینان قرارلاری اؤز یازیلاریندا اؤرنک گؤتوره جگینه سؤز وئرن حؤرمتملی اؤستاد بهزادی و دیگر عالیملریمیزه شؤکران دۇیغولاریمی بیلدیرمگی اؤزومه وظیفه ساییرام. تانری اؤز حیمایه سینى بیزدن اسیرگه مه سین.

## دؤکتور جواد هیئت

تهران، مهر ۱۳۸۰

## فصل ۱ : در باره ساختار زبان ترکی

### ۱ - ۱ : اجزای زبان

همان طور که ماده در دانش فیزیک و شیمی متشکل از اجزای بنیادی به نام اتم‌ها شناخته می‌شود و حتی بعضاً تقسیمات دقیق‌تری را در این خصوص در نظر می‌گیرند، زبان نیز از اجزای بنیادی معینی تشکیل می‌شود، که آشنایی با آنها ضمن ارتقای شناخت ما از زبان به‌طور اعم، کمک زیادی به تدوین ضوابط نگارشی زبان می‌کند و راه‌های منطقی را از راه‌های غیر منطقی متمایز می‌نماید.

### ۲ - ۱ : فونم‌ها

فونم‌ها ساده‌ترین و خالص‌ترین اصواتی هستند که به‌عنوان ابزار بیان شفاهی و صوتی زبان ایفای نقش می‌کنند، مانند کلمه «سو» (آب) که از دو صوت خالص یا فونم تشکیل شده است، دو صوتی که به کمک دو نشانه از مجموعه حروف لاتین، یعنی s و u نشان داده می‌شوند و حاصل آنها کلمه su است. لازم به تأکید است که مقصود از فونم در اینجا همان تظاهر صوتی زبان است و آنچه روی کاغذ می‌نویسیم، صرفاً نمایش نوشتاری حقیقتی است که به نام زبان می‌شناسیم.

برخی از فونم‌ها در همه زبان‌های جهان مشترک‌اند، اما هر زبانی نیز ممکن است فونم‌های اختصاصی خود را داشته باشد، مانند فونم عربی «ص» یا «ظ» که معادلی در فارسی و ترکی ندارند، یا فونم «ö» (ü) در ترکی که معادلی در فارسی و عربی ندارد.

### ۳ - ۱ : هجاها

تلفظ یک فونم به‌خصوص فونم‌های صامت ممکن است بعضاً چندان آسان نباشد و شخص سخنگو ناچار است که فونم را به‌مقتضای حال قدری توسعه دهد و آن را به‌همراهی یک فونم دیگر تلفظ کند. به‌عنوان مثال، تلفظ «ب» به‌تنهایی قدری مشکل است، اما همین فونم در کلمه «بال» (عسل) به‌سهولت و به‌وضوح تلفظ می‌شود. از این رو، پدیده جهان‌شمولی موسوم به هجا در همه زبان‌های دنیا شکل گرفته است. هجا عبارت است از کوچک‌ترین واحد تلفظی که یک فونم صائت به‌عنوان جزء اصلی ساختار آن را تشکیل می‌دهد، مانند سو، بال، اوچ و غیره. دقت کنیم که هجا لزوماً یک

کلمه و یا حتی بخشی معنادار نیست، چنان که کلمه «گوزل» از دو هجای «گو» و «زل» تشکیل می‌شود که هیچ یک از آنها ناقل معنا نیست. هجا در کلمات یک هجایی معمولاً دارای معنا است، اما این امر نه به خاطر هجا بودن آن، بلکه چنان که خواهیم دید، مبتنی بر توضیح متفاوتی است که در مبحث مورفم عنوان می‌شود.

#### ۴- ۱: مورفم‌ها

تقسیم کلمه به هجاهای مختلف صرفاً از جنبه آواشناسی اهمیت دارد و هجا نقشی در کارکرد معنایی یا دستوری زبان ندارد، اما تقسیم کلمه به یک یا چند مورفم از جهات گوناگونی فایده‌مند است. مورفم‌ها کوچک‌ترین واحدهای واقعی زبان هستند. برای آشنایی با مفهوم مورفم بهتر است به یک مثال توجه کنیم. کلمه «گلمه می‌شم» (نیامده‌ام) از ۴ هجا تشکیل شده است که عبارتند از: **گل + ام + می + شم**، که بعضی از آنها معنادار و برخی مانند «شم» بی‌معنا است. اجزای معنادار هم تصادفاً معنادار هستند. حال این کلمه را به رویه دیگری تجزیه می‌کنیم، یعنی: **گل + ام + می‌شم + ام**. این تقسیم بندی بر عکس تقسیم بندی هجایی ارتباطی عضوی با روح زبان دارد و هر یک از اجزای مذکور دارای معنا یا عملکرد خاصی است که از این قرارند:

- **گل** : ریشه کلمه که به فعل یا عمل بسیطی در دنیای واقعی اشاره دارد.
  - **مه** : پسوندی که نقش منفی کردن یا وارونه کردن معنای فعل را به جای می‌آورد.
  - **میش** : پسوندی که حکایت از زمان ماضی نقلی دارد.
  - **ام** : پسوندی که بر شخص اول مفرد، یعنی انجام دهنده کار دلالت می‌کند.
- چنان که ملاحظه می‌شود، در اینجا با نوعی تقسیم بندی فعال و معنادار مواجه هستیم و هر یک از بخش‌ها نماینده کوچک‌ترین واحد معنایی است. در واقع بعضی از بخش‌ها مانند «گل» نوعی معنای ساده و حداقل را نمایش می‌دهند (ریشه) و بعضی دیگر مانند «مه» نوعی کارکرد دستوری از نوع ساده و حداقل را نمایش می‌دهند، که از این رو به آنها «پسوندهای دستوری» یا به‌سختن ساده «پسوند» گفته می‌شود.

## ۵ - ۱: كلمه

كلمه واحد بزرگ تری از زبان است که لزوماً از یک ریشه و بر حسب نیاز از تعدادی پسوند تشکیل می‌شود، مانند «کلمه‌میشم» یا «داغلاریمیز». زبان ترکی که ماهیت آن «التصاقی» است، اجازه می‌دهد که پسوندهای متعددی به ریشه افزوده شوند، که هر یک از افزوده‌ها به نوبه خود تغییراتی در معنای کلمه یا کارکرد آن می‌دهد.

## ۶ - ۱: قانون هماهنگی آواها

یکی از ویژگی‌های بنیادی و فراگیر زبان ترکی هماهنگی آواها است. قانون هماهنگی آواها را به اجمال می‌توان چنین بیان کرد:

— آواهای یا فونم‌های صدادار نه گانه زبان ترکی بسته به شکل هندسی دهان در هنگام ادای آنها، در دو دسته اینجه (ظریف) و قالین (ضخیم) گروه‌بندی می‌شوند و اعضای هر گروه میل به تداخل با اعضای گروه دیگر ندارند:

صائت‌های ضخیم	A	آ ا	آغیز، آتا، آدا
	I	ای ئی	ایلدیریم، قیراق، دیرناق، آیی، داری
	O	او و	اوغوز، اؤروج، بویاق
	U	او و	اؤجوز، بۇروق
صائت‌های ظریف	Ə	ا ه ه	الجک، اپریمک، ازمک، دده، ننه
	E	ائ ئ	ایشیک، گئتمک، یتمک، گئینمک
	Ö	او و	اۆرنک، گۆزل، اۆنلۆک
	Ü	اؤ و	اۆرک، گۆنش، دۆنن
	İ	ای ی ی	ایکی، دیرک، گیزی

جدول ۱ - دو گروه صائت‌ها که از همدیگر استقلال نسبی دارند.

همان طور که در جدول ملاحظه می شود، حروف صائت زبان ترکی در دو گروه اینجه و قالین جای گرفته اند. همه کلمات ترکی، شامل ریشه کلمه و پسوندهای آن، منحصرأ با استفاده از یکی از دو گروه فوق ساخته می شوند و اختلاط آن دو گروه در یک کلمه مجاز نمی باشد. نخستین مورفم که معمولاً ریشه کلمه است، با هر مصوتی که شروع شود، مورفم های بعدی به تبعیت از آن و ضمن هماهنگی با آن، شکل می گیرند. چنان که بعداً خواهیم دید، هماهنگی آواها یکی از مبانی مهم ضوابط املایی کلمات ترکی را تشکیل می دهد.

هماهنگی آوایی در درجه نخست بین مصوت های قالین و اینجه برقرار می شود و بسیار فراگیر است. در درجه ثانی نیز، نوع دیگری از هماهنگی آوایی وجود دارد که به هماهنگی مصوت های راست و منحنی مربوط می شود. لذا جدول فوق را می توانیم ضمن تجدید سازمان به صورت زیر نشان دهیم:

صائت های مسطح	آ، آغیز، آتا، آدا	آ ا	A
	الجک، اپریمک، سپهله مک، دده، ننه	ا ه ه	Ə
	ایشیک، گئتمک، یشمک، سئومک	ائ ئ ئ	E
	ایلدیریم، قئیزیل، دئیرناق، آیی	ای ئ ی ئ	I
	ایکی، دلی، دری	ای ی ی	İ
صائت های منحنی	اوغوز، دؤل، سؤلغون	او و	O
	اوزنک، گوزلوک، اونلوک	او و	Ö
	اوجوز، بوزوق، دوزلو	او و	U
	اولگو، گوندوز، گولدو	او و	Ü

### جدول ۲ - تقسیم بندی صائت ها به دو گروه مسطح و منحنی

ملاحظه می کنیم که مصوت ها از لحاظ تخت یا منحنی بودن نیز به دو گروه تقسیم می شوند و طبق قانون هماهنگی ثانویه، هر کلمه منحصرأ با استفاده از یکی از دو گروه

ساخته مى شود. اما اين ضابطه به اندازه ضابطه نخستين فراگير نيست و در مواردى نقض مى شود. اينك اين سوال سر بر مى آورد كه اين دو نوع هماهنگى چگونه بر قرار مى شود؟ طبعاً ريشه يك كلمه شكل ثابتى دارد. بنا بر اين، پسوندهاى كه به ريشه افزوده مى شوند، بايد از ساختار صوتى ريشه تبعيت كنند. يعنى اگر ريشه كلمه با مصوت ظريف همراه است، پسوند نيز بايد مصوت ظريف داشته باشد، تا با آن هماهنگ شود و اگر مصوت ضخيم در ريشه به كار رفته است، پسوند نيز بايد چنين باشد و طبعاً چنين سازگارى در خصوص مصوت هاى مصطح و منحنى نيز ضرورت دارد. لازم به ياد آورى است كه اين دو نوع هماهنگى يا هماهنگى دو بعدى جنبه تفنى ندارد، بلكه از اركان زبان است و ربطى به قشر فرهيخته نداشته و حتى در زبان توده مردم عادى جارى و سارى است. از اين رو، هر پسوندى بايد چهار صورت آوايى داشته باشد، تا هماهنگى دو بعدى فوق الذكر محقق شود. در عمل نيز اكثر پسوندها به چهار شكل مختلف ظاهر مى شوند و هماهنگى كامل آوايى بر قرار مى شود، مانند «گلدېم»، «قالدېم»، «گوردۆم»، «يوردۆم». اما بعضى پسوندها تنها دو صورت آوايى دارند كه در آن صورت، هماهنگى محدود به هماهنگى آوايى بين مصوت هاى ظريف و ضخيم بوده و هماهنگى انحنايى امكان تحقق ندارد، مانند پسوند جمع در كلمات «داغلار» و «گۆلر».

## ۷ - ۱ : زبان التصاقى

چنان كه گفتيم، زبان تركى زبانى التصاقى است و اين بدان معنا است كه پسوندهاى متعددى مى توانند به دنبال همدىگر به ريشه اضافه شوند و معنای آن را تعديل يا تكميل كنند. اين كار در زبان هاى غير التصاقى از طريق چيدمان كلمات و يا طرق ديگر صورت مى گيرد. اين موضوع با يك مثال از ديره ابهام بيرون مى آيد:

- اوروپاليلاشديريلميشلاردان بىرى.

ترجمه اين عبارت به فارسى چنين خواهد بود: **يکى از افرادى كه عواملى باعث شدند تا فرهنگ او به فرهنگ اروپايى تغيير داده شود.** ملاحظه مى شود كه به جاى چيدمان كلمات، چنان كه در فارسى مرسوم است، گرايش كلى در تركى بر آن است كه بيان



مقصود تا حد امکان از طریق چیدمان مورفم‌ها فراهم آید و هنگامی که از ظرفیت مورفم‌ها تا حد امکان بهره‌گیری شد، آنگاه ظرفیت‌های نحوی به کار گرفته شوند. به دیگر سخن، جایی که زبان فارسی عمدتاً از ترکیبات نحوی بهره می‌گیرد، زبان ترکی عمدتاً تمایل به استفاده از مصالح صرفی یا مورفولوژیک دارد و نقش مورفم‌ها عمده است. این مورفم‌ها مانند اتم‌هایی که به هم می‌پیوندند تا مولکول‌ها، و بعضاً مولکول‌های بسیار طولانی را به وجود آورند، عمل می‌کنند. این ساختار را ضمناً می‌توان به یک قطار تشبیه کرد که لوکوموتیو آن به عنوان محرک اصلی در پیشانی حرکت قرار دارد و واگن‌ها نیز به دنبال همدیگر به آن اتصال دارند.

دیدیم که ماهیت التصاقی زبان از نقش بسیار فعال مورفم‌ها نشأت می‌گیرد، اما برای آن که شناخت ما از ساختار یک زبان التصاقی مانند ترکی نسبتاً کامل‌تر شود، اشاره به یک نکته دیگر الزامی است که در این خصوص هم استفاده از مثال کارساز است:

۱ - می‌نوشد، نوشید.

۲ - می‌نگرد، نگریست.

۳ - می‌تازد، تاخت.

در مثال ۱ می‌توان ریشه فعل (نوش) را دقیقاً تشخیص داد و ضمناً پسوند یا مورفمی نیز قابل تشخیص است که زمان گذشته فعل را بیان کرده است (نوش+ید). اما چنین تفکیکی در مثال ۲ و ۳ امکان‌پذیر نیست. زمان گذشته در مثال‌های ۲ و ۳ نه به کمک یک جزء مجزا، بلکه با روش تغییر شکل خود فعل بیان شده است. یعنی مثلاً کلمه یک پارچه و تجزیه ناپذیر «تاخت» در آن واحد هم مفهوم فعل را حمل می‌کند و هم مفهوم زمان گذشته را. به عبارت دیگر، کلمه «تاخت» نقش مرکبی را بر عهده دارد، مانند آن که یک هنرپیشه تئاتر در نقش دو شخصیت هنرنمایی کند.

اما در زبان‌های التصاقی، به خصوص ترکی که درجه التصاقی بودن آن تا حد امکان بالا است، مورفم‌ها نقش مرکب ندارند و نقش آنها تا منتهی درجه ممکن ساده و غیر قابل تجزیه است. پس تعریف کامل‌تر زبان التصاقی به اجمال چنین خواهد بود:

در زبان‌های التصاقی مورفم‌ها نقش اصلی را بر عهده دارند و نقش هر مورفم نیز تا منتهی درجه ممکن ساده است.

#### ۸- ۱: خاستگاه قواعد و ضوابط املائی

زبان نوشتاری از تعداد محدودی نشانه‌های حرفی بهره می‌گیرد و به کمک همین نشانه‌ها و تعداد محدود آنها است که می‌توان همه اندیشه‌های بشری و تمام حقایق کشف شده و بعضاً کشف نشده عالم را بیان کرد. اما این قدرت در خود زبان نهفته است و نشانه‌های نوشتاری صرفاً ابزار کار زبان هستند. از این رو، نوشتار ارتباط تنگاتنگی با ساختار آوایی، صرفی و نحوی زبان دارد و نمی‌تواند از سلیقه‌های شخصی یا خیالی تبعیت کند. در بخش‌های پیشین در باره ماهیت التصاقی زبان ترکی و قانون هماهنگی آواها سخن گفتیم و با این کار نیز ساختار زبان ترکی را کم و بیش معرفی نمودیم که باید مبنای اصلی ضوابط املائی قرار گیرند.

بعد از پذیرش این اصل که ضوابط املائی عمدتاً تابع ساختار آوایی و صرفی و نحوی است، می‌توان به مسائل زیباشناختی و یا عوامل دیگری توجه کرد که فی المثل موجب تسهیل کتابت یا صرفه جویی در کاغذ و امثال آن می‌شوند. به عنوان مثال، در زبان عربی، نوشتن اعراب و سایر نشانه‌های دیاکریتیک مانند تشدید یا علامت سکون و غیره امری اختیاری است. در زبان ترکی نیز با توجه به قانون هماهنگی آواها، چنان که نخستین حرف مصوت کلمه به صورت آوایی و دقیق نوشته شود، نیازی به استفاده بیشتر از نشانه‌های دیاکریتیک در هجاهای بعدی نخواهد بود، زیرا همان حرف مصوت هجای نخست تلفظ دقیق تمام کلمه را تنظیم می‌کند، مانند کلمه «گوروش» (دیدار) که به خودی خود کامل است و نیازی نیست که آن را به صورت «گوروش» بنویسیم. پس روش‌های خاص صرفه جویی در وقت و انرژی در کتابت همه زبان‌ها کم و بیش جاری است که به عنوان عوامل ثانویه در تعیین ضوابط نوشتاری لحاظ می‌شوند.

#### ۹ - ۱: نقش مورفم در املای ترکی

چنان که پیش از این ملاحظه کردیم، هر زبانی را می‌توان متشکل از اجزائی مانند فونم‌ها (اصوات ساده)، هجاها و یا مورفم‌ها دانست. اما التصاقی بودن زبان ترکی ایجاب می‌کند که مورفم‌ها نقش کاملاً تعیین‌کننده‌ای در کارکرد آن داشته باشند، از این رو، قواعد املایی باید ضمن توجه ویژه به کارکرد مورفم‌ها تثبیت شوند. نگارش زبان ترکی بر مبنای فونم‌ها، هر چند با الفبای لاتین کاری آسان و کارآمد است، اما اصرار بر نگارش این زبان به صورت کاملاً فونتیک در حوزه خط عربی کوششی بی‌فایده و غیر منطقی و غیر طبیعی است، چنان که تجزیه کلمات به هجاها و تنظیم کتابت بر اساس هویت دهی به هجاها نیز روشی ناکارآمد است، زیرا ماهیت زبان ترکی عمدتاً فونمیک یا التصاقی است. بی‌اعتنایی به مورفم و اساس قرار دادن فونم و هجا هم اتلاف انرژی است و هم امری غیر طبیعی. برای نشان دادن بهتر این موضوع، به یک مثال متوسل می‌شویم:

۱ - مەن تەبیریزدەنەم.

۲ - مەن تەبیریزدەنەم.

۳ - مەن تەبیریزدەنەم.

کتابت در مثال ۱ کاملاً مبتنی بر فونم است، یعنی تمام اصوات زبان گفتاری به کمک یک نشانه کتبی نمایش داده شده است. چنان که ملاحظه می‌کنیم، این روش به معنی اتلاف انرژی و تحمیل ظاهری زشت بر زبان و تأکید روی جزئیات غیر ضروری در کتابت است، و مثلاً به آن می‌ماند که به جای آن که بگوییم این خانه با آجر و تیر آهن و چوب ساخته شده است، به انواع اتم‌های به کار رفته در ساختمان منزل اشاره کنیم که در عین درست بودن، کاری عبث و عاری از منطق است. نگارش بر اساس فونم‌ها تنها یک کاربرد می‌تواند داشته باشد و آن هم «تلفظ نویسی» است که این کار در بعضی زبان‌ها به کمک نشانه‌های فونتیک بین‌المللی صورت می‌گیرد. مثال ۲ بر اساس هجا نوشته شده است و این اشکال را دارد که لفظ «ون» (از) که یک مورفم است، گسسته دیده می‌شود.

اگر جمله را به سوم شخص مفرد ببریم:

- من تبریزده‌م، یاشار تبریزدندیر.

ملاحظه می‌کنیم که ضابطه هجایی موجب می‌شود که مورفم «دن» را یک بار به صورت «دهن» و بار دیگر به صورت «دن» بنویسیم، که باز هم نتیجه‌ای ناخوش آیند است. اما مثال ۳ بر اساس مورفم نوشته شده است و ملاحظه می‌شود که مورفم «دن» مثل همه مورفم‌ها در همه حالات ثابت می‌ماند و هویت خود را حفظ می‌کند. اینک که ویژگی‌های بنیادی زبان ترکی را بررسی کردیم و با ساختار عمومی آن آشنا شدیم، به تشریح ضوابط املائی می‌پردازیم.

## فصل ۲: زبان ترکی آذربایجانی در نوشتار

### ۱- ۲: نام شناسی

شکی نیست که الفبای رایج در زبان فارسی و زبان ترکی هر دو منشأ عربی دارند که پیوندی تاریخی با اسلام دارد. یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های ترکی که به هر دو زبان عربی و ترکی نوشته شده است، کتاب دیوان لغات الترك اثر محمود کاشغری است (۴۶۶ هجری قمری) که منبعی فراگیر و بسیار معتبر در پژوهش‌های زبان ترکی به شمار می‌رود. کتاب‌های متعدد دیگری نیز در قرون اولیه هجری به زبان فارسی و ترکی تدوین شده‌اند که شیوه کتابت آنها بیشتر متأثر از شیوه کتابت و املاي زبان عربی بوده است. زبان عربی به اعتبار فونم‌های صامت بسیار غنی و به مقتضای فونم‌های صائت، دارای الفبایی است که برای نگارش زبان ترکی و فارسی محدودیت‌هایی داشت. از این رو، نگارش زبان ترکی با رسم الخط عربی با دو نوع مشکل مواجه بود. از یک طرف حروف صامت عربی بسیار بیشتر از حد نیاز زبان ترکی بود، مانند نشانه‌های **ز، ذ، ض، ظ** که همه آنها در زبان ترکی نماینده صوت واحدی هستند که با نشانه «ز» نمایش داده می‌شود. اما از طرف دیگر، نشانه‌های مصوت آن نیز از کفایت لازم برای انعکاس تمام آواهای زبان ترکی برخوردار نبود. از این رو، نشانه‌های نوشتاری عربی در طول زمان به منظور انطباق با ساختار صوتی زبان ترکی و فارسی اندکی اصلاح گردیدند، تا امر کتابت آسان‌تر شود و حتی این اصلاحات بنا بر کثرت نسبی آواهای رایج در زبان ترکی ضرورت بیشتری داشته است. از این رو، این نوع الفبای اصلاح شده را «الفبای ترکی» می‌نامند و چنان که بخواهند آن را از سایر الفباهای رایج در ترکی مانند الفبای لاتین، یا الفباهای قدیمی مانند الفبای اورخون و یا الفبای اویغور متمایز کنند، آن را «الفبای ترکی با منشأ عربی» می‌نامند.

## ۲-۲: نكارش حروف مصوت

A	آ ا	آغيز، آتا، آدا
I	اى ئى	ايلديرىم، قىز، دېئناق، آيى، دارى
O	او و	اوغوز، سون، دون
U	او و	اوجوز، بۇروق، دوز
Ə	ا ه ه	ال، اپرىمك، سپله مك، دده، ننه
E	ائ ئ	ائو، گئتمك، يئمك، يى، دئ
Ö	او و	اورنك، گون، اون
Ü	او و	اوچ، گون، دون
i	اي ي	ايكى، بيز، ديز، دلى، درى

## جدول ۳ - طرز نكارش حروف مصوت

## ۱-۲-۲: ملاحظاتی چند در باره طرز نوشتن فونم Ə

پیش از این گفتیم که نگارش ترکی لزوماً بر مفهوم مورفم مبتنی است، زیرا ترکی زبانی مورفمیک یا التصاقی است. بر این اساس می توانیم بگوییم که نگارش این صوت تنها در انتهای مورفم ها نیاز به نشانه حرفی مستقل دارد و در ابتدای مورفم یا وسط آن صرفاً با نشانه های فرعی نمایش داده می شود. به عنوان مثال، این صوت در ابتدای کلماتی مانند «ال»، «کین»، «ازمک» و امثال آن شنیده می شود، اما همین همزه یعنی «ا» برای بیان آن در ابتدای کلمه کفایت می کند و در صورت نیاز به دقتی بیشت می توانیم از حرکت نیز استفاده کرده، کلمات فوق را به صورت «آل»، «کین» و «آزمک» بنویسیم، اما چنان که گفته شد، این کار غیر الزامی بوده و تنها در حالاتی ضرورت دارد که احتمال خطا در قرائت وجود داشته باشد. این صوت در کلماتی مانند «گلین»، «سیرین» و «تپر» نیز حضور دارد، اما صوت آغازین نیست، بلکه صوتی است که در وسط

مورفم شنیده می‌شود و چنان که ملاحظه می‌کنیم، هیچ نشانه‌ای برای نمایش آن ضرورت ندارد و در صورت دقیق بینی بیشتر، صرفاً استفاده از حرکه کافی است که در آن صورت، املاي سه کلمه فوق به این صورت خواهد بود: «گَلین»، «سَرین» و «تَپَر». تنها در انتهای مورفم است که نیاز به نمایش این صوت به کمک نشانه‌ای مستقل احساس می‌شود، مانند کلمات «گوزله»، «اینجه» و «دره». به این ترتیب، این صوت در انتهای مورفم به کمک شکل مناسبی از حرف «ه» بیان می‌شود. این حرف «ه» همان است که در فارسی «های غیر ملفوظ» نامیده می‌شود، مانند «ها»ی غیر ملفوظ در کلماتی مانند «ملاحظه» و «لانه» که ظاهراً صوت E را بیان می‌کند، اما در اصل در زبان فارسی نیز همان صدای Ө را بیان می‌نماید که امروزه در بسیاری از لهجه‌های فارسی مشهود است، مانند «خانه»، «شانه» و امثال آن. اما «های غیر ملفوظ» فارسی مفهوم دیگری نیز دارد که در واقع آن را باید «تای غیر ملفوظ» نامید، مانند «تا»ی آخر کلمه «ملاحظه» که به صورت «ملاحظه» در آمده است.

— در ترکی بعضاً ممکن است شاهد مورفمی باشیم که در کمتر از یک هجای معمولی جای می‌گیرد. مثلاً اگر دو کلمه «گیزله‌مک» (مخفی کردن) و «گیزلنمک» (مخفی شدن) را در نظر بگیریم، ملاحظه می‌کنیم که دومی صرفاً با افزودن «ن» به اولی حاصل شده است و این «ن» کمتر از یک هجا است. این مورفم (ن) را می‌توانیم با مورفم قبلی خود «له» ترکیب نموده، آن دو را با هم به صورت مورفم واحدی در نظر بگیریم که نتیجه این ترکیب معادل «لن» خواهد بود، مانند «لن» در «گیزلنمک». در چنین حالتی نباید اصرار داشته باشیم که کلمه را بر اساس قانون مورفم‌ها به صورت «گیزله‌نمک» بنویسیم و ضرورتاً باید آن را به صورت «گیزلنمک» بنویسیم که گویاتر است. اما اگر مورفم قبلی تشکیل دهنده ریشه کلمه باشد، یا مضاف الیه باشد، این نوع اختصار جایز نیست، مانند: «دده‌م»، «ونرگه‌ن»، «وظیفه‌م».

— حال این سوال پیش می‌آید که اگر کلمه را به جای مورفم‌ها، متشکل از هجاها بدانیم، آیا فرق زیادی در نوشتار حاصل می‌شود؟ تجربه حاکی از آن است که استفاده از روش هجایی نیز کم و بیش به همان نتیجه در نگارش **فونم** Ө منجر می‌شود. البته باید توجه کنیم که نمایش این صوت صرفاً در ابتدای کلمه و انتهای هجاها ضروری است و همان

طور که از گسستن مورفم‌ها برای نوشتن این صورت پرهیز می‌کردیم، از گسستن هجاها نیز باید خودداری کنیم. به‌طور کلی، اصل بر آن است که املاى مورفم‌ها (ریشه‌ها و پسوندها) همواره ثابت بماند، و ضوابط املاىی نباید موجب تغییر شکل در آنها بشود. مثلاً املاى کلماتی مانند «گل»، «گلن»، «گلنیم» صحیح است، اما املاى کلمه «گله‌نیم» نادرست است. البته در هر موردی که احتمال خطا وجود داشته باشد، می‌توانیم از نشانه فتحه برای رفع شبهه استفاده کنیم، مانند: **آیری، دَیر، دوه**.

اینک به املاى تعدادی کلمات توجه می‌کنیم که ضمن رعایت نکات بالا بر هر دو اساس مورفمی و هجایی نوشته شده‌اند و چنان که ملاحظه می‌کنیم، نتیجه یکسانی حاصل شده است.

کلمه	نگارشش مورفمی	نگارش هجایی	مثال‌ها
چۆرک	چۆرگیم	چۆرگیم	حلال چۆرگیم بو سۆفره‌نین ایشیغیدیر.
گلن	گلنی	گلنی	هر گلنی قارداش تانیمازلار.
گۆزل	گۆزلیم	گۆزلیم	گۆزلیم، گۆزلی‌نین صؤحبتی هر یاندا اؤلور.
گۆلش	گۆلشه‌جک	گۆلشه‌جک	یاریشدا ایکی ایدمانچی بیر داها گۆلشه‌جک.
تبریز	تبریزدم	تبریزدم	یولداشیم دا تبریزدندیر، من ده تبریزدم.
گلسه	گلسه‌یدی	گلسه‌یدی	قارداشیم گلسه‌یدی، بیرلیکده مشهده گئدردیک.
گلمک	گله‌جک	گله‌جک	آتام بو آخشام تبریزدن گله‌جک.
گلمک	گلجک	گلجک	آتام تبریزدن گلجک مشهده یولا دۆشدو.
گلمک	گله‌لی	گله‌لی	آتام تبریزه گله‌لی ۲ آی اؤلور.

#### جدول ۴ - نگارش تعدادی کلمه بر اساس استقلال مورفم و هجا

— چنان که تفکیک یک کلمه به مورفم‌های مشخص به سهولت امکان‌پذیر نباشد، از روش هجایی برای نگارش استفاده می‌شود، مانند: **گۆبه‌لک** (قارچ)، **چیپه‌لک** (توت)



فرنگی)، کپه‌نک (پروانه)، ییلپه‌نک (خیار)، کؤنده‌لن (زاویه‌دار)، کلبه‌جر (اسم مکان)، چته‌نه (شاهدانه)، گؤره‌لیم، گؤزله‌یه‌لیم، ییله‌رک، گله‌نک.

## ۲-۲-۲: نگارش فونم E

- نگارش این فونم در ابتدا، وسط و انتهای کلمات ترکی به کمک یکی از نشانه‌های زیر، بسته به موقعیت، صورت می‌گیرد:

ئ	ئ	ائ
---	---	----

مثال‌هایی چند:

ائشیدیرم	دئمه‌میشم	گئدیرم	یئ	دئ
----------	-----------	--------	----	----

— از آنجا که این فونم اکثراً در نخستین هجای کلمات ترکی به کار می‌رود، استفاده از نشانه فوق بسیار کارساز بوده و کمک زیادی به متمایز کردن کلمات و رفع ابهام می‌کند، مانند «ئلل» (طایفه و خلق) و «الل» (دست). اما این فونم در زبان‌های غیر ترکی، به خصوص زبان‌های اروپایی رایج‌تر است و غیر از نخستین هجا، در هجاهای میانی و پایانی هم اکثراً به کار می‌رود. از این رو، استفاده از این نشانه در نوشتن کلمات غیر ترکی موجب می‌شود که هیئت ظاهری کلمه بسیار بغرنج دیده شود. لذا این نوع کلمات را باید به صورت ساده‌تری نوشت و چنان که احتمال خطا وجود داشته باشد، می‌توان از علامت کسره نیز استفاده نمود، مانند:

انرژی	ایلمنت	تلویزیون	تکنولوژی	تست
-------	--------	----------	----------	-----

احسان	علم	حکایه	فاتح	قانع	نهضت	عشق
-------	-----	-------	------	------	------	-----

— با وجود این، چنان که این فونم در یکی از طرفین «یاء صامت» آمده باشد، نگارش آن به صورت فونتیک ضروری است، زیرا به تلفظ دقیق کلمه کمک می‌کند، چنان که در کلماتی مانند: *قتید، مثیل، سئیر، شئید، گۆنئی، سئیرک، حئیرت، غئیرت، جئیران، تقی‌یئف، یشکۆن، ویتنام، پیئر* ملاحظه می‌گردد.

— در حالات دیگر، با کلمات دخیلی از فارسی و عربی سر و کار داریم که در اصل دارای صورت *İ* بوده‌اند، اما تلفظ آنها در ترکی تغییر یافته و صوت *İ* به صوت *E* تغییر یافته است، مانند «تسبیح» که به «تسبیح» تبدیل شده است. در این حالت نیز نوشتن کلمه به صورت فونتیک ضروری است:

تسبیح	قبح	سئه	بچارا	بساواد	پشواز	پشکش
-------	-----	-----	-------	--------	-------	------

### ۳- ۲- ۲: نگارش صوت *I*

این فونم همان فونمی است که در کلمات انگلیسی *girl* و *third* و امثال آن شنیده می‌شود. این فونم در زبان ترکی بسیار فعال بوده و به نظر می‌رسد که تلفظ آن برای فارسی زبان‌ها قدری مشکل است و از این رو تلفظ کلماتی مانند «*قیلیچ*» (شمشیر) در فارسی تغییر می‌کند و کلمه به صورت «*قلیچ*» تلفظ می‌شود. این فونم را در ترکی می‌توان صرفاً به کمک نشانه «ی» نوشت و ابهامی هم به وجود نمی‌آید، زیرا قانون هارمونی اصوات به تلفظ دقیق کلمه کمک می‌کند، مانند: *آغیز، قاییق*. اما چنان که احتمال خطا وجود داشته باشد، می‌توان آن را به کمک نشانه مربوطه به صورت فونتیک نوشت: *آغیز، قاییق*.

۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
Ü	Ö	U	O

جدول ۵ - نشانه‌های مصوت‌های منحنی و معادل لاتین آنها

۱۴

نشانه نوشتاری فونم «ا» که در کلماتی مانند «تیلیج» و «قاییتی» مشهود است.

## ۳-۲: نكارش فونم‌هاى بى صدا

در جدول زیر می‌توان نشانه‌هاى حرفى لازم برای نوشتن فونم‌هاى بى صدا را ملاحظه کرد که تقریباً تفاوت چندانی با نشانه‌هاى به کار رفته در فارسی ندارد:

خ X	چ C	ج C	ت (ط) T	پ P	ب B
ش S	س (ث, ص) S	ژ J	ز (ذ, ظ, ض) Z	ر R	د D
ل L	گ G	ک K	ف F	ق Q	غ Ğ
	ی Y	و V	ه (ح) H	ن N	م M

## جدول ۵ - مجموعه حروف صامت

## ۱-۳-۲: در باره نشانه حرفى «ک» و «گ»

— تأمل در این باره ضرورى است که نشانه «گ» در فارسی دو وظیفه صوتى را بر عهده دارد که می‌توان آن را ضمن تمرکز روى نحوه تلفظ دو کلمه «گِل» و «گُل» در فارسی دریافت. کاملاً واضح است که صدای حرف «گ» در این دو کلمه با هم متفاوت است. در ترکی تمایز بین این دو صوت یا فونم ضرورت دارد و از این رو دو نشانه برای دو صوت منظور شده است:

- گۆلْمَك (خندیدن)، گۆرۆش (دیدار)، گلین (عروس)، گیزیلی (پنهان)
- قۇل (بازو)، قالین (ضخیم)، قارتال (عقاب)، قویون (گوسفند)

— دقت کنیم که تلفظ حرف «ق» در مثال‌هاى فوق مانند قاف حلقى زبان فارسی و عربى نبوده و این نشانه صرفاً معادل صوت «گ» در کلمات فارسی مانند «گاو» و «گُل» و امثال آن است. قاف حلقى در بعضی لهجه‌هاى محلی ترکی آذربایجانی نیز وجود دارد و در بعضی زبان‌هاى ترکی نیز جایگاه مسلط دارد.

— همین دوگانگی در خصوص نشانه «ک» نیز وجود دارد. اگر دقت کنیم، صدای این حرف در تلفظ کلمات فارسی «کِشت» و «کُشت» کاملاً متفاوت است. مثلاً این تفاوت خیلی بیشتر از تفاوتی است که بین مخرج صوتی دو نشانه «ق» و «غ» وجود دارد. حتی می‌توان این تفاوت را با تفاوت بین «چ» و «ج» مقایسه کرد. با این حال، شکل متفاوتی در طول تاریخ ابداع نشده است و ترجیح داده شده است که حرف «ک» در دو نقش فعالیت کند. در ترکی نیز وضعیت چنین است، یعنی «ک» می‌تواند هر دو نقش را بر عهده داشته باشد. اما باید توجه داشت که در ترکی آذربایجانی صوتی که معادل «ک» در کلمات فارسی «کاشت» و «کاسه» باشد، نداریم و معمولاً حتی اگر چنین فونمی در سایر زبان‌های ترکی مانند ترکی ترکیه وجود داشته باشد، در ترکی آذربایجانی تبدیل به «ق» و یا بعضاً «خ» می‌شود، مانند نمونه‌های زیر از ترکی ترکیه و معادل آذربایجانی آنها:

- کالماک (قالماق)

- کالین (قالین)

- آرکا (آرخا)

- یوک (یوخ)

— البته این فونم یعنی کاف ضخیم در کلمات دخیل اروپایی وجود دارد که باید آنها را با «ک» نوشت و تبدیل آن به «ق» جایز نیست. مثال:

- دمؤکراسی، دؤکتور، کلاسیک، کانترین

— چنان که صوت صامت Y بین دو مصوت İ قرار گیرد، با نشانه «گ» نوشته می‌شود اما هنگام تلفظ بسیار نزدیک به «ی» تلفظ می‌شود: ایگید، ایگیرمی، چیکین، گتیردیگیم.

— گاهی نیز اتفاق می افتد که صوت «ک» بین دو مصوت قرار گرفته و در معرض تعدیل صوتی قرار می گیرد. در چنین حالتی به منظور حفظ ساختار اصلی کلمه از نشانه «گ» استفاده می کنیم: **چۆرگیم، گلهجگیم، گۆرۈندۈگو، شاعیرلر درنگی.**

— در عین حال، برخی کلمات فارسی حاوی حرف «گ» دخیل در ترکی نیز وجود دارند که حرف «گ» آنها در گفتار ترکی مانند «ق» ترکی تلفظ می شود. در این نوع کلمات نیز حرف «گ» محفوظ می ماند و به «ق» تبدیل نمی شود:

کارگاه	آگاهی	دانشگاه	آبگوشت	گۆماشتا
--------	-------	---------	--------	---------

— طبعاً فونم «ک» یعنی معادل صوتی آنچه که در کلمات فارسی مثل «کِشت» و «کِرَدار» و مانند آن شنیده می شود، در ترکی آذربایجانی عمومیت دارد که با همان نشانه «ک» نوشته می شود:

- **اۆزۈک (دل)، اکمک (کاشتن)، چکمک (کشیدن)**

## ۲-۳-۲: در باره حروف صامت اختصاصی زبان عربی

کلمات برگرفته از زبان عربی باید با استفاده از نشانه های صامت عربی نوشته شوند، هر چند که مخرج صوتی برای آنها در ترکی وجود نداشته باشد. به دیگر سخن، دخل و تصرف در حروف صامت عربی جایز نیست:

طبیعه	ثۆریّا	صباح	ظارات	ماتّاح	ضربه	ظۆلم	صرّاف
-------	--------	------	-------	--------	------	------	-------

## ۳-۳-۲: در باره واو

واو معادل حرف لاتین V صرفاً به صورت «و» نوشته می شود و هیچگونه نشانه اضافی به آن تعلق نمی گیرد: **وارلیق، شوگی.**

## ۴-۳-۲: در باره هاء

هاء معادل حرف لاتین H صرفاً به یکی از صور مناسب نشانه (هـ هـ هـ هـ) نوشته می شود و هیچ گونه نشانه اضافی بر آن تحمیل نمی شود: همیشه، ساهمان، مئه، شئه، آلاه، هله.

## ۵-۳-۲: یاء را چگونه بنویسیم؟

یاء معادل حرف لاتین Y صرفاً به صورت (یـ ی) نوشته می شود و هیچگونه نشانه اضافی حمل نمی کند: یایلیق، بایرام، آی.

## ۶-۳-۲: توضیح در باره «ع» و «غ»

بعضی کلمات عربی دخیل در ترکی نیز وجود دارند که در املای اصلی آنها «ع» به کار رفته، اما این صوت در ترکی به نوعی «ح» تبدیل شده است که در کتابت آنها از نشانه «ح» استفاده می کنیم: ماتاح، طاماح. این موضوع در وسط کلمات دخیل عربی نیز مشهود است که در چنین حالاتی اکثراً باید از نشانه «هـ» استفاده کرد، مانند کلمه فهله.

— بعضی کلمات دخیل در ترکی وجود دارند که حاوی حرف «غ» در ابتدا یا وسط کلمه هستند، اما تلفظ «غ» در گفتار به «ق» تبدیل می شود. باید دانست که حرف «غ» در این کلمات محفوظ می ماند و تبدیل به «ق» نمی شود:

غریب	غزل	غم	افغان
------	-----	----	-------

#### ۴-۲: نگارش فونم‌های مرکب

##### ۱- ۴-۲: توالی دو فونم مصوت

برخی کلمات اروپائی دخیل در ترکی وجود دارند که حاوی یکی از فونم‌های مرکب  $\text{IA}$  و  $\text{IO}$  و  $\text{IU}$  هستند. از آنجا که این نوع فونم‌های مرکب از دو فونم مصوت تشکیل شده است، گوینده هنگام تلفظ این نوع کلمات، خودبه‌خود یک فونم «ی» را بین دو مصوت تلفظ می‌کند، چنان که مثلاً گوینده هنگام تلفظ کلمه «بیولوژی» عملاً آن را به صورت «بیولوژی» ( $\text{biyoloji}$ ) تلفظ می‌کند. باید دانست که این فونم «ی» صرفاً محدود به گفتار است و نباید در نوشتار ظاهر شود، یعنی کلمه فوق در نوشتار صرفاً شکل  $\text{bioloji}$  را به خود می‌گیرد. مثال‌ها:

رادیو	بیولوژی	کیوسک	دیالکتیک	نیویورک	آشیان	ریا	شیار
باریوم	نیوزویک	خیوان	میانپور	ریاضی	سیاست	ضیالی	خیار

#### ۲- ۴-۲: فونم‌های مرکب $\text{SP}$ و $\text{ST}$ و $\text{P}$ و $\text{T}$ و $\text{SK}$ در ابتدای کلمه

برخی کلمات اروپائی دخیل در ترکی نیز وجود دارند که با یکی از فونم‌های مرکب  $\text{SP}$  و  $\text{ST}$  و  $\text{P}$  و  $\text{T}$  و  $\text{SK}$  شروع می‌شوند، مانند کلمه  $\text{scanner}$ . طبعاً تلفظ این نوع کلمات در زبان‌های اروپائی طوری است که گوینده با یک حرف صامت شروع به تلفظ می‌کند. اما در زبان فارسی رویه بر این است که یک فونم  $\text{E}$  برای سهولت تلفظ به ابتدای این نوع کلمات اضافه می‌شود و کلمه به صورت «اسکنر» تلفظ می‌شود. در ترکی نیز از روش مشابهی استفاده می‌کنیم و هجای «ای» را به ابتدای این نوع کلمات اضافه می‌کنیم، مانند: *ایسپورت، ایستالین، ایستانسیا، ایستراسبورق، ایستیک، ایسکرن، ایشتوتقارت، ایشتیتسل.*



## ۳- ۴- ۲: سایر فونم‌های مرکب

بعضی کلمات اروپائی دخیل در فارسی و ترکی نیز وجود دارند که در آنها دو فونم صامت پشت سر هم در یک کلمه به کار رفته‌اند، مانند کلمه «پروژه». تلفظ این نوع کلمات در فارسی توأم با افزایش یک مصوت بین دو فونم صامت است، به طوری که کلمه فوق ضمن آن که به صورت «پروژه» نوشته می‌شود، عملاً به صورت peroje تلفظ می‌گردد، اما این نوع کلمات باید در ترکی، چه در گفتار و چه نوشتار به صورت proje بیان شوند، نه peroje. به چند مثال توجه کنیم: پلان (plan)، ترانسپورت (transport)، اکسترا (extra)، اسپرسو (espresso).

## ۵- ۲: استفاده از علامت تشدید

طبعاً استفاده از علامت تشدید در کلمات دخیل عربی بر حسب نیاز ضرورت دارد، اما این علامت در خصوص کلمات ترکی، فارسی و اروپایی کاربردی ندارد و در صورت لزوم از حرف مکرر استفاده می‌شود:

مؤکمل	ادبیات	موقفیت	مدنیت	دوققوز	اوتللو
-------	--------	--------	-------	--------	--------

## ۶- ۲: استفاده از علامت تنوین

کاربرد علامت تنوین نیز مانند علامت تشدید مخصوص کلمات عربی دخیل در ترکی است و شکل نوشتاری آن نیز دقیقاً مثل زبان عربی است. به عبارت دیگر، مثلاً کلمه «قصداً» به همین صورت صحیح است و نباید به صورت «قصدن» یا امثال آن نوشته شود. مثال‌های بیشتر:

مثلاً	اعتیاراً	قصداً	سهواً	قطعياً	عملاً
-------	----------	-------	-------	--------	-------

## ۷-۲: طرز نوشتن همزه

— همزه در آخر کلمه اگر بعد از فونم  $\Theta$  ظاهر شود، به صورت «أ» نوشته می شود:

منشأ	مبدأ	ملجأ
------	------	------

— همزه در آخر کلمه اگر بعد از فونم U ظاهر شود، به صورت «ه» نوشته می شود، مانند کلمه سوء.

— همزه در آخر کلمه چنان که بعد از فونم A ظاهر شود، نوشته نمی شود:

ایشا	ایملا	ایجرا	ایتیلا	انیبا	اولیا
------	-------	-------	--------	-------	-------

— همزه در وسط کلمات چنانکه با صدای A دنبال شود، با نشانه «ا» و در صورت احتمال اشتباه با نشانه «آ» نوشته می شود:

سؤال	مؤاخیه	مبدأت	ایشآت	مال	مأب
------	--------	-------	-------	-----	-----

— همزه در وسط کلمات چنانکه با صدای  $\Theta$  دنبال شود، با نشانه «أ» نوشته می شود:

جؤرات	تأسوف	هئیات	مسأله	نشأت
-------	-------	-------	-------	------

— همزه‌ای که در وسط کلمه قرار دارد و با فونم  $\Theta$  دنبال می‌شود، چنانکه کلمه ادامه نداشته باشد و به همین فونم  $\Theta$  ختم شود، با نشانه «ئه» نوشته می‌شود:

نشئه	تووطیئه
------	---------

— همزه‌ای که با فونم  $\dot{I}$  دنبال می‌شود، تبدیل به «ی» می‌شود:

رییس	عقاید	جرایید	میکاییل	کاینات	داییر
------	-------	--------	---------	--------	-------

— نوشتن «یای وصل» بعد از همزه در عبارات زیر که نمونه وار ذکر شده‌اند، ضرورت دارد: /اینسانین منشایی، سفریمیزین مبدایی.

— همزه‌ای که با یکی از فونم‌های O و U و E دنبال می‌شود، با نشانه «ئ» نوشته می‌شود:

ناپلئون	ژئوپولیتیک	ژئوس	دوئل	سوئد	نوئل	شوئلون
کلئوپاترا	مائو	روئوس	ایدئولوژی	نئون	آئورت	مسئول
آرکئولوژی	رئوف	داخانئو	ایشترائئوس	سئول	چائوشسکو	تئولوژی

— همزه‌ای که بعد از فونم E ظاهر می‌شود، با نشانه «ئ» نوشته می‌شود، مانند: تئاتر، رئال، نئاندرتال، پروتئین.

— همزه‌ای که بعد از فونم‌های Ö و Ü ظاهر می‌شود، نوشته نمی‌شود:

مۆمىن	لؤلؤ	مۆدب	مۆنث	مۆگىف	مۆسىس	مۆئىر
-------	------	------	------	-------	-------	-------

— بعضی کلمات اروپائی دخیل در ترکی وجود دارند که فونم مرکب ae در آنها به کار رفته است. معادل آن در ترکی با نشانه مرکب «آی» نوشته می‌شود، مانند: aeroport (آیروپورت)، aeroplan (آیروپلان).

— همزه‌ای که تنوین پذیرفته باشد، به این صورت نوشته می‌شود: جوزئا، ایستینائا.

#### ۸-۲: طرز نوشتن پسوندها

پسوندها یا مورفم‌های التصاقی عموماً باید به صورت متصل به ریشه کلمه نوشته شوند: گلمیشم، گلدیلر، ائلر، گؤزلدیر.

#### ۱-۸-۲: پسوندهای استفهامی «می» و «مو»

این پسوند در چهار صورت آوایی خود، در وسط کلمه به صورت متصل و در انتهای کلمه به صورت مجاور (کنار هم، اما با فاصله صفر) نوشته می‌شوند: گلدی‌می؟ گشتدی‌می؟ به بیتی از قوسی تبریزی توجه می‌کنیم که این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد:

ائی بیقرار سینه‌ده، نشتر میسن، نه‌سن؟  
پشیکانمیشان، کؤنولموسن، اخگر میسن، نه‌سن؟

#### ۲-۸-۲: لفظ‌های «دا» و «ده»

این الفاظ چنان که ماهیت پسوند داشته باشند، به صورت متصل، و گرنه به صورت جداگانه نوشته می‌شوند: بۇ سؤالین جاوابی منده‌دیر. حسن ده گلدی، من ده.

## ۳- ۱- ۲: کثرت پسوندها

نظر به این که املاي کلمه ممکن است با افزایش تعداد پسوندها خیلی بغرنج بشود، گاهی می توان آن را به صورت دو بخش مجاور (با فاصله صفر) نوشت. اما کلمه را در کدام مقطع برش بدهیم؟ اگر در یک کلمه متشکل از ریشه و تعدادی پسوند، حرف صامت اتصال دهنده به کار رفته باشد، تفکیک کلمه (به روشی که گفته شد) بعد از صامت مذکور توصیه می شود: **موسیقی سی، قالمالی یام، قالمالی ییق، دئمه لی یم، دئمه لی بیک، فیضولی یه.**

مثال های دیگر:

نین، تین	یه، یا	بیک، ییق	بیر، شیر	یف	یثوا
ننه نین، تملی نین	علی یه، ماهنی یا	دئمه لی بیک، قالمالی ییق	لنگی بیر، داشی شیر	تقی یف	تقی یثوا

— قاعده دیگری نیز به منظور تسهیل املاي کلمات دارای پسوندهای متعدد وجود دارد، به این ترتیب که، اگر کلمه از چهار هجا یا بیشتر تشکیل شده باشد، و درون این کلمه مورفمی وجود داشته باشد که حرف پایانی اش مصوت است، کلمه را می توان بعد از این حرف مصوت منقطع نموده، دو بخش آن را به صورت مجاور (با فاصله صفر) نوشت، مانند: **موسیقی چیلر، بیزیمکی لر.**

— گاهی نیز اتفاق می افتد که یک حرف صامت یا صامت های مشابه در چنین کلماتی چندین بار تکرار شود، مانن کلمه «سسسیز». اگر چنان که در این مثال می بینیم، یک حرف سه بار به صورت متوالی تکرار شده باشد، این نوع کلمات را نیز می توان از نقطه اتصال دو مورفم منقطع نموده، به صورت مجاور (با فاصله صفر) نوشت، که به این ترتیب، املاي کلمه فوق به صورت «سس سیز» خواهد بود.

— اگر حرف صامت معینی و یا حروف صامت مشابهی در مقطع دو مورفم تکرار شده باشد، و چنان که نخستین حرف از حروف مذکور از سمت راست به صورت متصل

نوشته شده باشد، بهتر است کلمه در همان مقطع تفکیک شده و بخش های جداگانه آن به صورت مجاور نوشته شوند:

نسیل لر	منیم میش	دیئلنمک
---------	----------	---------

— در همین رابطه اگر در جدول زیر دقت کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که نخستین حرف صامت از طرف راست به صورت غیر متصل و مجاور نوشته شده است، که از همین رو متصل نویسی حرف دوم ارجح است. به سخن دیگر، معیار در چنین حالاتی آن است که صامت از یک طرف متصل و از طرف دیگر منفصل باشد:

اللر	داممیش	آشسیر	گؤلنمک
------	--------	-------	--------

— الفاظ یا پسوندهای دخیلی که در جدول زیر مشاهده می شوند، باید متصل نوشته شوند:

کار (صنعتکار)	خانانا (کیتابخانا)	دار (محصولدار)	گاه (دانشگاه)
کده (دانشکده)	بئ (بئکار)	پاز (آشپاز)	باز (قوشباز)
بر (دیلبز، سیمینبر)	جو (دانشجو، صولحجو)	ایزم (متابولیزم)	پیش (پیشواز)
کش (قایغیکش)	گر (میسگر)	زده (غریزده)	خواه (ترقیخواه)
نامه (شیکایتنامه)	زن (لافزن)	خور (رؤشوتخور)	دان (نمکدان)
یستان (دشتیستان)	زادا (ملیکزادا)	سن (ستنز)	هم (همصوحبت)
اؤف (حسنوف)	اؤوا (حسنؤوا)		

— در عین حال، الفاظ دخیلی که در جدول زیر مشاهده می‌شوند، باید مجاور نوشته شوند:

شۆناس (آذربایجان شۆناس)	پرست (وطن پرست)	طلب (شۆهرت طلب)
فۆرۆش (فضل فۆرۆش)	آنتی (آنتی کۆمونیست)	پرور (قوناق پرور)
	پان (پان عربیزم)	

#### ۹-۲: طرز نوشتن کلمات

— تبدیل دو «یاء» به «یاء واحد» در کلماتی مشابه کلمات زیر ضروری است، که در صورت لزوم می‌توان از نشانه تشدید نیز استفاده کرد: «مدتیت»، «ادبیات»، «سویه»، «قیمت»، «صحیه»، «ویشتنام» و «کیف». به عنوان مثال نگارش کلمه «ادبیات» به صورت «ادبیات» نادرست تلقی می‌گردد.

— کلمات اروپایی دخیل در ترکی ترجیحاً با تلفظ فرانسه‌وی نوشته می‌شوند: *رداکسیون، ناسیونال، انرژي*.

— کلمات اروپائی مانند *گرامر و گاز و اورتوگرافی و بیوگرافی* و امثال آن که اصل آنها با حرف *G* نوشته می‌شود، در ترکی با حرف «ق» نگارش می‌یابند، مانند: *اؤرتوگرافی، قرامر، قاز*.

— بسا اتفاق می‌افتد که حرف *I* در ابتدای کلمات ترکی به حرف *İ* تبدیل می‌شود، مانند کلمه «ایشیق». اما ضروری است که این فونم در نوشتار به صورت اصلی حفظ شود:

ایشیق	ایلدیریم	ایلیق	ایلیغیم	ایلیخی
-------	----------	-------	---------	--------

اما کلماتی مانند *ایراق، ایلان، اینام* از این قاعده مستثنی است.

— اینک می‌رسیم به نگارش کلمات دخیل، اعم از عربی و فارسی و اروپائی. قاعده کلی آن است که این نوع کلمات را در چهارچوب ضوابطی که تا اینجا شرح داده شد،

فونىتىك بنويسىم، اما ضمناً نپايد در فونىتىك نويسى افراط كنيم. برخى موارد محدود كننده را در مثال‌هاى قبلى مشخص نموديم، اما در اینجا تأكيد مى‌كنيم كه حفظ املاى اصلى كلمات دخيل، به خصوص كلمات فارسى و عربى داراى امتيازات زيادى است. از اين رو، در اغلب حالات مى‌توان از هر دو روش به مقتضائى نياز استفاده كرد. مثلاً مسابقه را مى‌توان به صورت اصلى يا به صورت مؤسابقه نوشت. چنان كه معلم را نيز مى‌توان هم به صورت معلم و هم مؤعليم نوشت. كلمه ظلم را مى‌توان به همين صورت نوشت، اما به جا است كه در عبارت «الماجينى آلديلار، منه ظولوم سالدیلار» به روش فونىتىك روى بياوريم، زيرا هم وزن را دقيق تر نشان مى‌دهد و هم بر جنبه فولكلوريك عبارت تأكيد بيشترى مى‌شود. در جدول زير همه كلمات فونىتىك نوشته شده‌اند، اما حفظ املاى اصلى آنها نيز، در مواردى كه ابهام‌زاىى در كار نباشد، اشكالى ندارد:

مؤشكول	مؤزد	مؤنتظم	مؤسابقه	مؤرتب	مؤبتدا
اىستىقلال	ايمام	اينسان	ايتقيلاب	ايقرار	اىشتياق
مؤباريزه	مؤناظيره	مؤناسيب	مؤختليف	مؤنحصير	مؤعاصير
علم	عشق	احسان	قتيد	مئيل	شىيطان
مؤعليم	مؤهنديس	مؤكيف	مؤدب	مؤثير	مؤث
ظالم	لازيم	ناييل	قادير	خارج	باريز
منافع	محافيل	مكاريم	منازيل	كواكيب	مؤعتديل
تؤهمت	مؤهنت	حؤرم	صؤحبت	شؤهرت	حؤكم
تلويزيون	تلفون	كافه	باله	فؤتوكوپى	سمينار
ترمومتر	ايتمولوژى	اؤكسيژن	آنتى تنز	ترانشه	لاوازيه
پروژكتور	تلكس	اليمينت	ايجادى	تئورى	الاستيك
انگلس	رونه دكارت	هرمان هسه	نيچه	قوته	هاينريش هائينه
هليؤم	سزيؤم	نئؤن	مؤلكؤل	سئؤل	رئاليزم
ورزش	گردش	يادىگار	مؤرداد	اؤرديهيشت	ايسفند



— چنان که می‌دانیم، بعضی فونم‌های صدادار زبان ترکی به کمک علائمی اختصاصی بیان می‌شوند که روی حروفی مثل «و» یا «ی» قرار داده می‌شوند و به آنها نشانه‌های دیاکریتیک گفته می‌شود، مانند نشانه‌هایی که بالای حرف «و» در عبارات زیر مشاهده می‌کنیم: **گورونوش، اوغوز، دویون**. طبیعی است که نوشتن این نشانه‌ها تنها در هجای اول کلمه ضرورت دارند و در هجاهای بعدی نیازی به استفاده از آنها نیست، زیرا قانون هماهنگی آوایی ابهام را از میان بر می‌دارد. از این رو کلمات فوق را می‌توان به این صورت نوشت: **گورونوش، اوغوز، دویون**. طبعاً چنان که احتمال ابهام و سوء تلفظ وجود داشته باشد، می‌توان این نشانه‌ها را در هجاهای دیگر هم نوشت.

— اسامی خاص بر گرفته از زبان فارسی و عربی باید با املائی اصلی و بدون دخل و تصرف نوشته شوند: **محمد، حسین، ابوالقاسم، منوچهر، کاظم، عبدالناصر، سعود الفیصل، کبری، ساعد، هیث**.

— اما بعضی اسامی خاص فارسی و عربی وجود دارند که با زبان ترکی کاملاً عجین شده‌اند، که این نوع اسامی را می‌توان با ضوابط املائی ترکی نوشت: **علسگر، فاطما، حوسین، ایرضا، ممد**.

— نام‌های جغرافیایی به همان صورت رایج در ایران و حتی الامکان با ضوابط املائی ترکی نوشته می‌شوند: **لهیستان، اوزبکیستان، هیندوستان، لؤبنان، اوتریش، تۆرکیه، کۆردوستان**.

— نام‌های اصیل جغرافیایی بعضاً با انگیزه‌های مختلفی تغییر داده شده و یا تحریف شده‌اند. در چنین حالاتی استفاده از نام‌های اصیل به جای نام‌های تحریف شده توصیه می‌شود، مانند: **توفارقان، سئیدآوا، ساین قالا، سۆلدوز، آخما قایا**.

— برخى كلمات تركى رايىچ در فارسى وجود دارند كه در زبان فارسى بر اساس ضوابط املايى فارسى نوشته مى شوند، اما از آنجا كه اصل آنها تركى است، بايد در زبان تركى تابع ضوابط املايى زبان تركى باشند، مانند: **بوشقاب، اۆتو، شۇلۇق، اۆمود.**

— ضوابط املايى مطرح در اين مقاله هنگامى به كار گرفته مى شوند كه با متنى تركى سر و كار داريم، و نبايد آن را به نگارش فارسى سرايت داد. مثلاً املايى كلمه «تۆرك» در يك متن تركى صحيح است، اما اگر در متنى فارسى در باره ترك ها يا زبان تركى سخن مى گوييم، بايد آن را به صورت «تُرک»، «ترک»، يا «تركى» بنويسيم، زيرا هر زبانى ضوابط تلفظى و املايى خود را دارد.

— اينك مى رسيم به طرز نگارش اعداد ساده و اعداد ترتيبى. با توجه به اين كه اعداد نيز مانند اسامى بسته به موقعيت در جمله صرف مى شوند، طرز نگارش آنها در حالات مختلف بر اساس جدول زير خواهد بود:

حالت	طرز نگارش				مثال ها
اعداد ترتيبى	۲- جى	۳- جو	۶- جئ	۹- جو	۱۳۷۹- جو ايل
مفعول صريح	۱۱- ى	۱۲- نى	۱۳- و	۶- نى	۱۲- نى چاغيرين
مفعول فيه	۱۱- ده	۱۲- ده	۶- دا	۹- دا	۱۱- ساعات ده
مفعول اليه	۱۱- ه	۱۲- يه	۶- يا	۹- /	۱۲- يه خبر وئرين.
مفعول عنه	۱۱- دن	۱۲- دن	۹- دان	۶- دان	۱۱- ساعات دن قاباق
مضاف اليه	۱۱- ين	۱۲- نين	۴- وُن	۵- ين	۱۱- ساعات ين ياريسى
مضاف	۱۱- ى	۱۲- سى	۹- و	۷- سى	خۇردا دين ۷- سى

— چنان كه پيش از اين نيز اشاره شد، كلمات دخيلى كه سابقه کاربرد طولانى در تركى داشته و با روح اين زبان عجيب شده اند، بر اساس ضوابط املايى تركى نوشته مى شوند:

**مۇغايات، هامبال، باريت، مئيزى، آبير.**

## ۱۰- ۲: طرز نگارش کلمات مرکب و ترکیبات نحوی

— کلمات مرکب حد فاصل بین صرف و نحو را تشکیل می‌دهند و نباید آنها را با ترکیبات نحوی اشتباه کرد، مانند *آغ ساققال* (صفت شخص ریش سفید) و *آغ ساققال* (ریش سفید). دو بخش کلمه مرکب باید مستقل و مجاور نوشته شوند: *آغ ساققال*، *آغ پیرچک*، *ککلیک اوتو*، *قانونا ویغونلوق*، *گوزوگونورمزلیک*، *دیک باشلیق*. این طرز نگارش اهمیت زیادی دارد و برای پی بردن به اهمیت آن، به فرق معنایی در دو مثال زیر توجه می‌کنیم:

- *آغ ساققالین حورمتی وار.*

- *آغ ساققالین حورمتی وار.*

در مثال اول، در باره لزوم احترام به ریش مردان سال خورده تأکید می‌شود، اما در مثال دوم تأکید روی خود مردان سال خورده است.

— کلمات مرکب بر گرفته از زبان‌های فارسی و عربی و سایر زبان‌ها نیز تابع همین ضابطه است:

مؤحت افزا	دیل آرام	وطن پرست	شوهرت طلب
-----------	----------	----------	-----------

مثال‌های دیگری از کلمات مرکب بر گرفته از زبان‌های دیگر:

شؤناس (آذربایجان شؤناس)	پرست (وطن پرست)	طلب (شوهرت طلب)
فؤروش (فضل فؤروش)	آنتی (آنتی کومونیست)	پرور (فؤناق پرور)
	پان (پان عربیزم)	

— وضعیت در خصوص ترکیبات نحوی بر گرفته از فارسی و عربی، مانند ترکیبات توصیفی یا ترکیبات اضافه، به این صورت است که غیر از خود کلمات که دخیل در ترکی اند، رابطه نحوی بین کلمات نیز در چنین حالاتی دخیل محسوب می‌شود. این نوع

تركيبات كه اكثرأ در شعر كلاسيك و متون ادبى به كار مى روند، با استفاده از خط تيره «-» نوشته مى شوند، تا روى اين موضوع تأكيد شود:

سيمای- شمس	زؤلف - پریشان	سوء - قصد	باده‌ی - ناب
پنبه‌ی- داغ - جؤنون	غئیر - مؤمکون	ضبيآ - اينقيلاب	چشم - گيريان

— بعضى تركيبات لفظى بر گرفته از فارسى و عربى نيز وجود دارند كه حرف ربط «و» در آنها به كار رفته است. اين نوع واو به شكل اصيل نوشته مى شوند و ممكن است نشانه دياكريتيك نيز بسته به نياز به آن افزوده شود:

گشت و گؤذار	درد و غم	نالہ و افغان
گشت و گؤذار	درد و غم	نالہ و افغان

— تمام تركيبات لفظى عربى، جملات حكمت آميز و آيات قرآن كلاً با املاى اصيل نوشته مى شوند و تغييرى در آنها داده نمى شود:

على الخصوص	سهل الهضم	ميزان الحراره	نعوذ بالله
استغفر الله	انشاء الله	ماشاء الله	الى آخر

۱۱ - ۲: خلاصه‌ای از قواعد املائی ترکی آذربایجانی

نوشتار صحیح	نوشتار غیر صحیح	
گۆزله بیرم، گۆره جک، ایسته میشم	گۆزله بیرم، گۆره جک، ایسته میشم	۱
دلی، گلکم، وئرمم	دهلی، گهلمهک، وئرمه‌رم	۲
گۆزل، چۆرک، دیرک، الجک	گۆزل، چۆرهک، دیرهک، الجهک	۳
گۆرنیم، گلنیم	گۆره‌نیم، گله‌نیم	۴
تبریزدنم، بۇ شهردنم	تبریزده‌نم، بۇ شهرده‌نم	۵
گۆرمه‌میشم، گۆتورمه‌میشم، گلseyدی	گۆرمه‌میشم، گۆتورمه‌میشم، گلseyدی	۶
یار بیزه قۇناق گله‌جک.	یار بیزه قۇناق گله‌جک.	۷
بیلهرک، گله‌رک	بیلرک، گلرک	۸
ددهم، اؤنرگه‌م، وظیفه‌ن	ددم، اؤنرگم، وظیفن	۹
اؤلکه	ؤلکه، ئۆلکه	۱۰
ائل، ائو، ائتمک	ئل، ئو، ئتمک	۱۱
ایضاح، ایلان، یکی	یضاح، یلان، یکی	۱۲
گل چۆرک یئ	گل چۆرک یئه	۱۳
گئجه، گئدر، دئدیم	گجه، گدر، ددیم	۱۴
انئری، الکتریک، المنت	ائئری، ائلکتریک، ائلئمنت	۱۵
اتنیک، سپتامبر، اپیدمی	ائتنیک، سئپتامبر، ائپیدئمی	۱۶
احسان، اعتیاد، اعتبار	ائحسان، ائعتیاد، ائعتیبار	۱۷
سحر، علم، عشق	سئحر، عئل، عشق	۱۸

۱۹	تسبىئىچ، پىشواز	تسبىچ، پىشواز
۲۰	مهربان، مەتەر	مئەربان، مئەتەر
۲۱	مئىل، قىيد، شىئى، ئىئى، يىكۇن	مىل، قىيد، شى، ئى، يىكۇن
۲۲	سالماق، سۇن، ساققال	صالماق، سۇن، صاققال
۲۳	ترلان، تۇيۇق، اۇتاق، تۇى	طرلان، طۇيۇق، اۇطاق، طۇى
۲۴	ماهنى، ھىيوا، شئە	ماحنى، ھىيوا، شىئە
۲۵	اييدە، گۇيرچىن، گۇى	ايگدە، گۇگرچىن، گۇگ
۲۶	ديىرمان، دىئىل، دىيشمىك	دگىرمان، دگىل، دگىشمىك
۲۷	آيرى، آيلنجە	اگرى، اگلنجە
۲۸	گلەجگم، چۇرگىم، گۇينگىن، الجگىم	گلەجىم، چۇرەيىم، كۇينەيىن، الجەيىم
۲۹	گۇرونوگو	گۇرونديوو
۳۰	دمۇكراسى، دۇكتور	دمۇقراسى، دۇقتور
۳۱	غم، غۇصئە، غرىب	قم، قۇصئە، قرىب
۳۲	دۇولت، شۇوكت، دۇوران	دۇلت، شۇكت، دۇران
۳۳	چاققال، ائششك، دۇققوز	چاقال، ائشك، دۇقۇز
۳۴	عمئە، عطار، حىصئە، حاقىندا	عممە، عططار، حىصصە، حاققىندا
۳۵	مثلاً، قصداً، سهواً	مثلىن، قصدن، سهون
۳۶	دانىشگاه، آگاهى	دانىشقاھ، آقاھى
۳۷	خياوان، رياضى، سياست	خىياوان، رىياضى، سىياست
۳۸	ايسپورت، ايستالين، ايستانسيا	اسپورت، استالىن، استانسىيا
۳۹	منشأ، مبدأ، ملجأ	منشە، مبدە، ملجە
۴۰	مؤمين، رؤيا	مۇئمىن، رۇئىيا

۴۱	اینشا، ایملا، ایجرا	اینشاء، ایملاء، ایجراء
۴۲	جوْرات، هئیأت	جوْرأت، هیئت، هیأت
۴۳	مائو، شوْئون، رئوف	ماؤ، شوْؤن، رُوف
۴۴	رییس، جرایید، کاینات	رئیس، جرائید، کائنات
۴۵	مؤْکیف، مؤْئیر، مؤْسیس	مؤلف، مؤثر، مؤسس
۴۶	جوْزنأ، ایستیشنائأ	جوْزء، ایستیشناء
۴۷	صحیْه، سوْیه، ادبیات	صحیّه، سویّه، ادبیّات
۴۸	ایسانلار، گوْنشلر	ایسانلار، گوْنش لر
۴۹	گوْزلدیر، گلْمیشدیر	گوْزل دیر، گلْمیش دیر
۵۰	تانری نین آدیلا	تانرینین آدیلا
۵۱	تانری یا یالوارماق	تانری یا یالوارماق
۵۲	دئمهلّییک	دئمهلّیییک
۵۳	یئری بیر	یئری بیر
۵۴	تقی یئف، تقی یئوا	تقییئف، تقیئوا
۵۵	عاراقچینین منده دیر.	عاراقچینین من ده دیر.
۵۶	حسن ده گلدی، من ده.	حسنده گلدی، منده.
۵۷	صنعتکار، کیتابخانا، محصولدار	صنعت کار، کیتابخانا، محصول دار
۵۸	شیکایتنامه، همصوْحبّت	شیکایت نامه، هم صوْحبّت
۵۹	آذربایجان شوْناس	آذربایجان شوْناس
۶۰	مۆشکول، مۆزد	مشکل، مزد
۶۱	ایستیقلال، اینسان	استقلال، انسان

مۆبارىزە، مۇعاصىر	مبارزه، معاصر	۶۲
ظالم، لازىم، ناظىر، شاھىد	ظالم، لازم، ناظر، شاهد	۶۳
صۇھبەت، شۇئەرت، حۇرمەت	صحبت، شوئەرت، حورمت	۶۴
ورزىش، گردىش	ورزش، گردش	۶۵
زۇلف- پرىشان	زؤلفى- پریشان	۶۶
نالە- بۆلبول، نالە بۆلبول	ناله-يى- بؤلبول، نالە بؤلبول	۶۷
آغساققال كىشى	آغساققال كىشى	۶۸
ككلىك اۋتو، ايت بۇرنو	ككلىك اۋتو، ايت بۇرنو	۶۹
آمبار، قايدا	انبار، قاعده	۷۰
طاماح	طاماه، تاماه	۷۱
ظارافات، صاباح	زارافات، سابه	۷۲
طايفا، هامبال، فايدا	طائفه، حمّال، فائده	۷۳
تۆرك، بۆيوك، بۇشقاب	ترك، بيوك، بشقاب	۷۴



### ضمائم

#### اؤرتوقرافی سمیناریندا مزملی احوالات

کئچن گۆنلرده تهران شهرینده، اندیشه مدنیت اۇجاغیندا کئچیریلن اؤرتوقرافی سمیناری چۇخ باجاریقلی شکیلده اؤز علمی هدفلرینه چاتمیش اۇلدو، آنجاق بعضی مزملی احوالاتلار دا آپاریجیلارین دیقّیتندن یایینمادی. بۇنلارین بعضیلرینه بۇرادا نظر سالماق اۇخوجولارین گۆلومسه مهسینه سبب اۇلا بیلر:

معروضه اۇخویانلارین بیرى تریئون آرخاسیندان: «بیز کئچمیش زامانلاردا دیلیمیزی یانلیش یازیردیق، آما دۆزگون اۇخوردوق» - دئدیگی زامان، سمینارین دبیری: «**ایندی** **ایسه دۆزگون یازیب، یانلیش اۇخویوروق**» - دئییه میز یلداندى.

تکلیف لایحه سینده E سسی نین یازیلیشینا عایید چۇخلو مادهلرین نظرده تۇتولدوغوندا دۇلایى مۆهندیس علیرضا صرّافی بۇ سمیناری E سمیناری آدلاندیردی، آنجاق بعضیلری ده بۇ سمیناری «**همزه**» سمیناری آدلاندیرماقدان چکینمه دیلر.

ایجلاسارین سایى نین بیر قدر چۇخ اۇلدوغونا گۆره، باشقا بیر ایشتیراکچی بۇ سمیناری **اؤرتوقرافی** سمیناری آدلاندیردی.

سمینارین باشقانی دۆکتور هیئت «من بۇ سمینارین آلدیغی قرارلارا همیشه سایغیلی اۇلاجاغام» - دئییه، بۇ قئیدی ده علاوه ائتدی کی: «آنجاق بیر تک اؤز آدی می یازماقدا سمینارین آلدیغی قارار اۇیما یا جاغام». قئید ائتمک لازیم دیر کی، سمینارین آلدیغی قارار گۆره «هیئت» سؤزو «هیأت» بیجیمینده یازیلما لیدیر. دۆکتور جنابلارینا مۆعین تضمینات وئریلدى کی، اۇنون آدى نین یازیلیشینا تۇخونولما یا جا قادیر.

آقای ائل اۇغلو معروضه سینی اۇخودوقدان سۇنرا اؤز یئرینه قاییدیپ «**واخسنى، کاغیذلاریم تریوندا قالدی**» دئییه علاوه ائتدی: «**نه یاخسنى کی، هله اوزوم قاییدیپ گلدیم**».

آقاي مۆھندىس صرافى نىن معروضەسى داھا چۇخ آمارى سىجىھ داشى يىردى و معلوماتلارنى پروژىكتور واسىطەسى اىلە گۇستىرىدى. تۈرك سۆزلىرى نىن يازىلىشىندا تشىدىد علامتىدىن بحث اندركن بىر لحظه ده بۇ معلومات آكراندا گۇرونوردو:

ائىشك	ائىشك
٪۲۴	٪۷۶

دۇكتور ھىت ھىمىن تشىدىد بحثى جريان اندركن قئىد ائىدى: «كلمەلىرى نە بىچىمىندە يازىرسىنىز يازىن، آنجاق خاھىشىم بۇدور كى، «ائىشك» سۆزونو كىكىنلىكلە /كىكى «ش» حرفى اىلە و حتا مۆمكۈنسە اۆچ «ش» حرفى اىلە يازىن!».

«ماتاح» كلمەسىنى «ماتاح» شىكىندە يۇخسا «ماتاه» شىكىندە يازماقلا باغلى اۆلان آمار حاققىندا دانىشاركن، كۇمىسيون عۆزولرى نىن بىرى بۇ آمارى بۇ شىكىلدە ايفادە ائىدى: «عرب ماتاحى: ٪۶۰، اۆز ماتاهىمىز: ٪۴۰».

گۆن اورتا يىمگى زامانى حسن آغا دىمىرچى اۆز موسىقى امكداشى ناصر فرھنگ جنابلارنى مىزىن اۆباشىندىن چاغىران كىمى اۆلدو، آنجاق چاشقىنلىق سىبىدىن حسن آغا دىمىرچى دە ظن اندىردى كى، ناصر فرھنگ اۆزو اۆنونلا دانىشماق اىستە يىرمىش. بۇ سىبىدىن بىر نىچە لحظه اۆنلارنى ھر ايكىسى قۇلاقلىرىنى بىر- بىرىنە تۇتموشدولار و نە ايسە بىر سۆزون دانىشلاجاغىنى گۆزلە يىردىلر، آنجاق ھىچ نە باش وئىرمىدى! بۇنو باشا دۆشمك اۆلاردى، چۆنكى سىمىنار ساعىلرىندە فونملرىن تلفۇظو بارە دە اۆ قدر بحثلر گىتمىشىدى كى، قۇلاقلاردا اۆزل بىر حساسلىق يارانمىشىدى.

حاضىرلايان: ابراهيم رفر